



دانشگاه گنبد کاووس

نشریه "حفاظت زیست‌بوم گیاهان"

دوره هشتم، شماره هفدهم

<http://pec.gonbad.ac.ir>

علمی-پژوهشی

مدل‌سازی پراکنش بالقوه فعلی و آینده گونه لاله واژگون (*Fritillaria imperialis* L.)

تحت سناریوهای تغییر اقلیمی و با استفاده از سه مدل گردش عمومی در ایران

علی اصغر نقی پور برج^{۱*}، محمدرضا اشرف‌زاده^۱، مریم حیدریان^۲

^۱استادیار دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد

^۲دانش‌آموخته دکتری علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳

چکیده

تغییر اقلیم ممکن است حفاظت از گونه‌های گیاهی دارای پراکنش جغرافیایی محدود مانند لاله واژگون را با چالش‌های جدی مواجه سازد. در این پژوهش، مدل‌سازی پراکنش جغرافیایی رویشگاه‌های بالقوه لاله واژگون در کشور و در شرایط فعلی و تحت تأثیر تغییر اقلیم آینده (۲۰۵۰) انجام شد. تعداد ۷۸ داده حضور گونه همراه با ۱۲ متغیر محیطی شامل متغیرهای زیست‌اقلیمی، فیزیوگرافی و پوشش/کاربری سرزمین در مدل‌سازی استفاده شدند. رویکرد مدل‌سازی اجماعی با تلفیق هفت مدل پراکنش گونه‌ای و بر اساس چهار سناریوی افزایش گازهای گلخانه‌ای و سه مدل گردش عمومی انجام شد. حدود ۷/۶۹ درصد از محدوده مورد مطالعه به‌عنوان رویشگاه‌های بالقوه لاله واژگون شناسایی شد. کمتر از ۱۰ درصد از این رویشگاه‌ها توسط مناطق حفاظت‌شده کشور پوشش داده شده است. بر اساس یافته‌های حاصل از سناریوهای مختلف تغییر اقلیم، به ترتیب کمترین و بیشترین سطح رویشگاه نامناسب شده در حدود ۴۶/۱۰ درصد (RCP4.5) تا ۷۷/۳۷ درصد (RCP8.5) در سال ۲۰۵۰ خواهد بود. مؤثرترین متغیرها در پراکنش گونه مورد مطالعه، به ترتیب حداقل دمای سردترین ماه، ارتفاع و بارندگی سالانه بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که پراکنش جغرافیایی لاله واژگون احتمالاً به‌واسطه تغییر اقلیم به سمت مناطق مرتفع‌تر جابه‌جا خواهد شد. بر اساس ارزیابی‌ها، مدل‌ها از درستی و دقت قابل قبولی برخوردار بودند ($AUC > 0.75$ و $TSS > 0.87$). رویشگاه‌های مناسب شناسایی شده می‌توانند به‌منظور اتخاذ رویکردهای مدیریتی و حفاظتی از جمله معرفی مجدد و تأسیس مناطق حفاظت‌شده جدید به‌منظور حفاظت از لاله واژگون در پاسخ به پدیده تغییر اقلیم مورد توجه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: مدل‌سازی اجماعی، مطلوبیت رویشگاه، مدل‌سازی پراکنش گونه‌ای، متغیرهای زیست‌اقلیمی

*نویسنده مسئول: aa.naghipour@sku.ac.ir

مقدمه

تغییر اقلیم پدیده‌ای جهانی است که باعث افزایش دمای متوسط اتمسفر می‌شود. دمای سطح زمین از سال ۱۸۸۰ تا ۲۰۱۸ میلادی به میزان ۰/۸۵ (۰/۶۵-۱/۰۶) درجه سانتی‌گراد افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود از سال ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۲ تا ۱/۵ درجه سانتی‌گراد افزایش داشته باشد (IPCC, 2018). در کشور ما نیز بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته تا سال ۲۰۵۰ در اغلب مناطق کشور، درجه حرارت بین دو تا سه درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت (جعفری، ۱۳۹۳). تغییر اقلیم به‌طور کلی با تغییر فصل رشد یا تغییر الگوهای دمایی که محرک تغییر چرخه حیات است، بر بسیاری از گیاهان و جانوران تأثیر می‌گذارد (Hardy, 2003). جابه‌جایی در پراکنش جغرافیایی و الگوهای توزیع (Doswald et al., 2009)، سازش‌های فنولوژیکی و فیزیولوژیکی، کاهش اندازه جمعیت و انقراض از پاسخ‌های احتمالی گونه‌ها در برابر تغییر اقلیم هستند (Ashrafzadeh et al., 2019). جابه‌جایی یا تغییر در پراکنش جغرافیایی گونه‌ها، یک راهبرد به‌منظور پایدار ماندن موجودات زنده در برابر تغییر اقلیم است. پیش‌بینی اثرات تغییر اقلیم بر پراکنش گونه‌های گیاهی نادر، امری ضروری در راستای حفاظت، ارزیابی سطح تهدیدها و مدیریت آن‌ها محسوب می‌شود (Rana et al., 2017). بنابراین، لازم است که تصمیمات مدیریتی با درک اثرات بالقوه تغییر اقلیم بر پراکنش گونه‌ها و کاهش اثرات مخرب تغییر اقلیم بر تنوع زیستی اتخاذ شوند (Pearce and Lindenmayer, 1998). یکی از بهترین روش‌ها به‌منظور پیش‌بینی اثر تغییر اقلیم بر تغییرات پراکنش گونه‌های گیاهی، استفاده از مدل‌های پراکنش گونه‌ای (Species Distribution Models) است (Lembrechts et al., 2019). این مدل‌ها، ارتباط بین داده‌های مربوط به وقوع گونه‌ها را با متغیرهای محیطی مؤثر بر پراکنش آن‌ها (اقلیم، توپوگرافی، نوع خاک و عوامل دیگر) ایجاد می‌نمایند تا مکان‌های حضور احتمالی گونه در یک منطقه خاص را پیش‌بینی نمایند. مدل‌های پراکنش گونه‌ای با تعیین عوامل مؤثر بر وقوع گونه و مطلوبیت رویشگاه، ابزارهای مهمی در تصمیم‌گیری‌ها به‌منظور حفاظت تنوع زیستی به شمار می‌روند. این مدل‌ها ارتباط اکولوژی، جغرافیای زیستی و حفاظت گونه‌ها را فراهم می‌کنند (Warren et al., 2019). ازجمله مطالعات صورت گرفته در کشور در خصوص مدل‌سازی پراکنش گونه‌ای می‌توان به مطالعات زارع چاهوکی و عباسی (۱۳۹۵)، پیری صحراگرد (۱۳۹۶)، حیدریان و همکاران (۱۳۹۶) الف و ب، ترنیا و همکاران (۱۳۹۶)، نقی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) و امیری و همکاران (۱۳۹۸) الف و ب، اشاره نمود.

جنس *Fritillaria* از تیره Liliaceae بوده و تقریباً از ۱۴۰ گونه گیاهی چندساله علفی پیازدار تشکیل شده است. گونه‌های مختلف موجود در این جنس در نواحی معتدله و سرد نیمکره شمالی از ژاپن در شرق دور تا آمریکای شمالی می‌رویند (Day, 2018). این جنس در ایران دارای حدود ۱۸

گونه است که دو گونه آن انحصاری ایران هستند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از گونه‌های منحصربه‌فرد و باارزش این جنس در ایران، گونه لاله واژگون (*Fritillaria imperialis* L.) است که به "اشک مریم" نیز شهرت دارد. باوجود اهمیت بالای این گونه گیاهی، طی سالیان اخیر بخش وسیعی از رویشگاه‌های آن به دلیل برداشت گل و پیاز توسط گردشگران، چرای غیراصولی دام، تغییر کاربری سرزمین، طغیان آفت‌ها و بیماری‌ها و تغییر اقلیم درخطر نابودی قرارگرفته است (صلاحی‌صدر و همکاران، ۱۳۹۷).

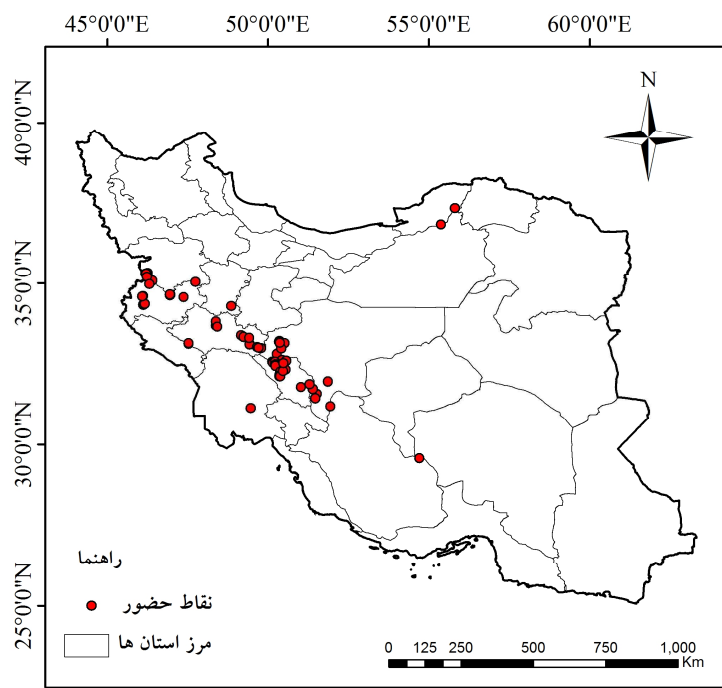
پژوهش‌های بسیاری به‌منظور بررسی اثر تغییر اقلیم بر گونه‌های مختلف گیاهی در سراسر جهان انجام‌شده است. ازجمله مطالعاتی که در رابطه با جنس *Fritillaria* صورت گرفته است می‌توان به ژائو و همکاران (Zhao et al., 2017) اشاره نمود. یافته‌های آن‌ها بر اساس مدل بیشینه بی‌نظمی (MaxEnt)، نشان داد که پراکنش جغرافیایی گونه *F. cirrhosa* در چین، به‌واسطه تغییر اقلیم، کاهش خواهد یافت. همچنین، رانا و همکاران (Rana et al., 2017) اثر تغییر اقلیم بر پراکنش جغرافیایی گونه *F. cirrhosa* را در کشور نپال موردبررسی قراردادند. در مطالعه ایشان چهار سناریوی تغییر اقلیم (RCPs) تحت مدل گردش عمومی BCC-CSM1.1 در سال ۲۰۵۰ موردبررسی قرار گرفت. نتایج آن‌ها نشان داد که بیشترین تناسب رویشگاهی بین سناریوهای مختلف اقلیمی سال ۲۰۵۰ در RCP4.5 رخ خواهد داد. همچنین، آن‌ها جابه‌جایی گونه به سمت مناطق مناسب اقلیمی در شمال غربی را پیش‌بینی نمودند. وو و همکاران (Wu et al., 2018) به ارزیابی تناسب بوم‌شناختی گونه *F. cirrhosa* با عوامل اقلیمی در مقیاس جهانی با استفاده از مدل بیشینه بی‌نظمی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که نتایج مدل بیشینه بی‌نظمی در مورد گونه مورد مطالعه بسیار دقیق است ($AUC=0.99$). همچنین، مناطق بسیار مطلوب به ترتیب وسعت برای گونه مورد مطالعه شامل کشورهای چین، پاکستان، نپال و بوتان هستند. پژوهش‌های محدودی به بررسی پیامدهای بالقوه تغییر اقلیم بر پراکنش گونه گیاهی لاله واژگون (*F. imperialis*) پرداخته‌اند. نقی‌پور و همکاران (Naghipour et al., 2019) به بررسی پیامدهای تغییر اقلیم تا سال ۲۰۵۰ بر پراکنش جغرافیایی گونه لاله واژگون در استان چهارمحال و بختیاری پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که وسعت رویشگاه این گونه تحت تأثیر سناریوهای اقلیمی RCP4.5 و RCP8.5 به ترتیب ۱۸ و ۱۶/۵ درصد در استان کاهش خواهد یافت.

ایران یکی از کشورهای مهم خاورمیانه از نظر تنوع زیستی محسوب می‌شود. اکوسیستم ایران شامل ۸۰۰۰ گونه گیاهی است (Farashi et al., 2013). یکی از گونه‌های باارزش بوم‌شناختی بالا (ازجمله ارزش دارویی و در تهدید بودن) و آشیان بوم‌شناختی محدود، لاله واژگون است که به نظر می‌رسد نسبت به گونه‌هایی با آشیان بوم‌شناختی وسیع سازگاری کمتری نسبت به تغییر اقلیم داشته باشد

(Khanum et al., 2013). با توجه به کاهش گستره پراکنش این گونه در سال‌های اخیر، بررسی اثر تغییر اقلیم بر رویشگاه‌های آن به‌منظور اتخاذ رویکردهای حفاظتی ضروری است. بنابراین، مطالعه حاضر با اهداف زیر موردتوجه قرار گرفت: (۱) شناسایی مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر پراکنش لاله واژگون در ایران؛ (۲) مدل‌سازی گستره جغرافیایی این گونه در شرایط اقلیمی امروزی؛ (۳) برآورد اثرات تغییر اقلیم آینده (تا سال ۲۰۵۰) بر پراکنش جغرافیایی لاله واژگون بر اساس چهار سناریوی اقلیمی (RCPs) و سه مدل گردش عمومی CCSM4، BCC-CSM1 و MRI-CGCM3.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر، تعداد ۹۳ نقطه حضور گونه عمدتاً بر اساس بررسی‌های مستقیم میدانی و با استفاده سامانه موقعیت‌یاب جهانی (GPS) در مناطق پراکنش لاله واژگون در سراسر کشور جمع‌آوری شدند. تعدادی از داده‌های حضور این گونه، از منابع معتبر استخراج شدند (Badfar-Chaleshtori et al., 2012; Khourang et al., 2014; Sharifi-Tehrani and Advay, 2015; Ahmadi-Roshan et al., 2016; Kiani et al., 2015). در ثبت نقاط وقوع گونه، سعی شد مناطقی به‌عنوان وقوع گونه در نظر گرفته شوند که گونه موردنظر حداقل یک لکه به مساحت یک کیلومترمربع را تحت پوشش قرار دهد (نقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین، نقاط تکراری در فاصله کمتر از یک کیلومتر حذف شدند. با توجه به شرایط ذکرشده، درنهایت ۷۸ نقطه حضور گونه انتخاب شد (شکل ۱). در مطالعه حاضر، یک دوره زمانی پایه (حال حاضر) و یک دوره زمانی آینده (سال ۲۰۵۰) در نظر گرفته شد. ۱۹ متغیر زیست‌اقلیمی مشتق شده از دما و بارش ماهیانه و لایه مدل رقومی ارتفاع (DEM) منطقه مورد مطالعه به‌صورت ریزمقیاس شده با دقت ۳۰ ثانیه (تقریباً معادل یک کیلومتر) از پایگاه اطلاعاتی Worldclim2 (www.worldclim.org) استخراج شد. از نقشه مدل رقومی ارتفاع در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، نقشه‌های درصد شیب و جهت شیب تولید شد و به همراه ارتفاع به‌عنوان متغیرهای فیزیوگرافی مورد استفاده قرار گرفت. داده‌های پوشش/کاربری سرزمین از لایه تهیه‌شده توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور استخراج شد. کل لایه‌های محیطی از نظر محدوده، تعداد پیکسل و سیستم تصویر در نرم‌افزار ArcGIS® 10.3 یکسان‌سازی شدند. به‌منظور انتخاب متغیرهای ورودی به مدل‌ها، ابتدا وجود همبستگی بین آن‌ها توسط آزمون آماری پیرسون بررسی شد و لایه‌هایی با بیش از ۷۰ درصد همبستگی (همبستگی بالا)، تعیین‌شده و لایه‌های با درجه اهمیت کمتر برای گونه لاله واژگون حذف شد (Rana et al., 2017). درنهایت و پس از حذف لایه‌های دارای همبستگی بالا و غیرضروری، ۱۲ متغیر به‌عنوان ورودی مدل‌ها انتخاب شدند (جدول ۲).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی نقاط حضور لاله واژگون (*F. imperialis*) در کشور ایران

برای پیش‌بینی توزیع رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون در کشور از بسته نرم‌افزاری (Biomod2) در محیط R (نسخه ۳.۱.۲) استفاده شد (Thuiller et al., 2016). مدل‌های شبکه عصبی مصنوعی^۲ (ANN)، روش تعمیمی تقویت‌شده^۳ (GBM)، مدل خطی تعمیم‌یافته^۴ (GLM)، تحلیل ممیزی انعطاف‌پذیر^۵ (FDA)، تجزیه و تحلیل طبقه‌بندی درختی^۶ (CTA)، جنگل تصادفی^۷ (RF) و پاکت دامنه سطحی^۸ (SRE) برای برآورد رویشگاه‌های مطلوب استفاده شدند. به دلیل این که تمامی مدل‌های مورد استفاده به داده‌های زمینه‌ای (نقاط عدم حضور کاذب) نیاز دارند، به صورت تصادفی تعداد ۱۰۰۰ نقطه زمینه‌ای در گستره مورد مطالعه و در خارج از سلول‌های حضور ایجاد شد. این کار با

² Artificial Neural Network

³ Generalized Boosting Method

⁴ Generalized Linear Model

⁵ Flexible Discriminant Analysis

⁶ Classification Tree Analysis

⁷ Random Forest

⁸ Surface Range Envelope

استفاده از ابزار Create Random Point در نرم افزار ArcGIS® 10.3 در محدوده مورد مطالعه انجام شد. برای واسنجی مدل ها، ۸۰ درصد نقاط حضور به عنوان داده های تعلیمی (۶۲ نقطه) و ۲۰ درصد باقیمانده (۱۶ نقطه) برای ارزیابی پیش بینی مدل ها استفاده شدند.

مدل ها با استفاده از شاخص سطح زیر منحنی^۹ (AUC) و آماره TSS (True skill statistic) ارزیابی شدند (Allouche et al., 2006). AUC یک معیار مستقل از آستانه و شیوع است (Manel et al., 2001). TSS نیز همبستگی معنی داری با آماره های مستقل از آستانه مانند AUC دارد (Allouche et al., 2006). این دو شاخص توانایی تفکیک بین داده های حضور و غیاب یا حضور از نمونه های پس زمینه^{۱۰} را زمانی که نقاط غیاب در دسترس نیست، دارند (Ashrafzadeh et al., 2019). مقادیر ۰/۶-۰/۷ سطح زیر منحنی (AUC) نشان دهنده توانایی ضعیف مدل در پیش بینی، مقادیر ۰/۷-۰/۸ یک پیش بینی مناسب، مقادیر ۰/۸-۰/۹ یک پیش بینی خوب و مقادیر بالای ۰/۹ نشان دهنده توانایی پیش بینی عالی مدل است. همچنین، مقادیر TSS کمتر از ۰/۴، نشان دهنده توانایی ضعیف مدل در پیش بینی، ۰/۴-۰/۷۵ خوب و بالای ۰/۷۵، عالی می باشد (Eskildsen et al., 2013). سطح مشارکت (اهمیت) متغیرهای مختلف نیز در مدل های توزیع گونه ای برآورد شد. در نهایت، مدل اجماعی با استفاده از متوسط وزن مدل های انفرادی برای تمامی ارزش های ارزیابی شده اجرا شد (Thuiller et al., 2016). مدل اجماعی به منظور پیش بینی توزیع آینده لاله واژگون تا سال ۲۰۵۰ بر اساس چهار سناریوی افزایش گازهای گلخانه ای (RCP2.6، RCP4.5، RCP6 و RCP8.5) و سه مدل گردش عمومی CCSM4، BCC-CSM1 و MRI-CGCM3 تهیه شد. به منظور برآورد اثر تغییر اقلیم بر توزیع جغرافیایی گونه مورد مطالعه، ابتدا از یک سطح بحرانی (بر اساس معیار ROC) برای طبقه بندی نقشه مطلوبیت رویشگاه به دو طبقه مطلوب و نامطلوب استفاده شد (Sangoony et al., 2016). سپس، وسعت رویشگاه های جدید و رویشگاه های نامناسب شده به دلیل تغییر اقلیم تا سال ۲۰۵۰ در سناریوها و مدل های گردش عمومی مختلف برآورد شدند. در ادامه، به منظور برآورد هم پوشی رویشگاه های مطلوب شناسایی شده و مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست، نقشه مطلوبیت رویشگاه های لاله واژگون با شبکه حفاظت شده کشور روی هم گذاری شد. همچنین، اثر طبیعی ملی لاله واژگون در استان چهارمحال و بختیاری هم جزو مناطق تحت حفاظت لحاظ شد.

^۹ Area Under the Curve

^{۱۰} Background

نتایج

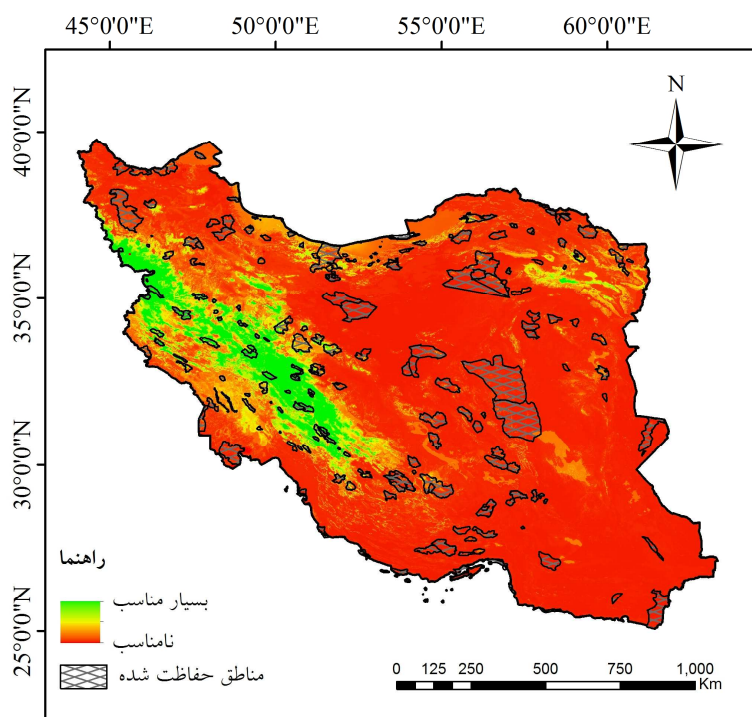
بر اساس شاخص AUC (>0.87)، همه مدل‌ها با درجه خوب تا عالی ارزیابی شدند. همچنین، مدل‌ها بر اساس معیار TSS (>0.75) در رتبه‌های خوب تا عالی قرار گرفتند (جدول ۱). مدل‌های جنگل تصادفی، تعمیمی تقویت‌شده، تجزیه و تحلیل طبقه‌بندی درختی و خطی تعمیم‌یافته به ترتیب بالاترین ارزش‌های AUC و TSS را به خود اختصاص دادند. بر اساس یافته‌های حاصل از مدل‌سازی اجماعی، در حدود ۷/۶۹ درصد (۱۲۴۸۱۷/۱) کیلومتر مربع از مساحت کشور می‌تواند به‌عنوان رویشگاه مطلوب لاله واژگون در نظر گرفته شود. شکل ۲ رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون را بر اساس رویکرد اجماعی مدل‌های مختلف در کشور نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، در حدود ۹/۰۸ درصد (۱۱۳۲۸) کیلومتر مربع از رویشگاه‌های مطلوب فعلی لاله واژگون توسط شبکه حفاظت‌شده کشور پوشش داده شده است.

جدول ۱- برآورد سطح زیر منحنی (AUC) و TSS در مدل‌های مختلف اجراشده

مدل	RF	GLM	CTA	ANN	GBM	FDA	SRE
شاخص							
AUC	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۸۷
TSS	۰/۹۹	۰/۸۳	۰/۹۴	۰/۸۶	۰/۹۷	۰/۸۰	۰/۷۵

سهم نسبی (اهمیت) هر یک از متغیرهای واردشده به مدل در پیش‌بینی مناطق مناسب برای حضور لاله واژگون در جدول دو آورده شده است. نتایج نشان داد که حداقل دمای سردترین ماه سال، مدل رقومی ارتفاع، مجموع بارندگی سالانه و تغییرات فصلی بارندگی (با مجموع درصد مشارکت ۶۶/۵۷ درصد)، بیشترین سهم را در تعیین مطلوبیت رویشگاه لاله واژگون داشتند (جدول ۲). بر اساس یافته‌ها، تغییر اقلیم می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون در کشور به همراه داشته باشد. بر اساس سناریوهای مختلف، بین ۴۶/۱۰ درصد (CCSM4, RCP4.5) تا ۷۷/۳۷ درصد (MRI-CGCM3, RCP8.5) از رویشگاه‌های بالقوه لاله واژگون به‌واسطه تغییر اقلیم نامناسب خواهد شد (جدول ۳). درحالی‌که در همین دوره زمانی در حدود ۹ (CCSM4, RCP6) تا ۱۶/۸۴ درصد (CCSM4, RCP2.6) به رویشگاه‌های مطلوب این‌گونه اضافه خواهد شد. به‌طور خلاصه، نرخ خالص از دست رفتن رویشگاه مطلوب لاله واژگون تا سال ۲۰۵۰ بین ۴۸/۲۴- درصد (MRI-CGCM3, RCP2.6) تا ۶۷/۶۱- درصد (MRI-CGCM3, RCP8.5) برآورد شد. بر اساس یافته‌ها، سناریو RCP8.5 نسبت به سه سناریوی دیگر اثرات شدیدتری بر گستره رویشگاه‌های مطلوب

لاله واژگون در کشور خواهد داشت. شکل ۳ تغییرات در گستره جغرافیایی رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون را در آینده (سال ۲۰۵۰) برای مدل گردش عمومی CCSM4 نشان می‌دهد.



شکل ۲- رویشگاه‌های مطلوب فعلی لاله واژگون در کشور با استفاده از رویکرد اجماعی حاصل از هفت مدل به همراه هم‌پوشی با شبکه حفاظتی کشور

بر اساس یافته‌ها، تغییر اقلیم می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون در کشور به همراه داشته باشد. بر اساس سناریوهای مختلف، بین ۴۶/۱۰ درصد (CCSM4, RCP4.5) تا ۷۷/۳۷ درصد (MRI-CGCM3, RCP8.5) از رویشگاه‌های بالقوه لاله واژگون به واسطه تغییر اقلیم نامناسب خواهد شد (جدول ۳). درحالی‌که در همین دوره زمانی در حدود ۹ (CCSM4, RCP6) تا ۱۶/۸۴ درصد (CCSM4, RCP2.6) به رویشگاه‌های مطلوب این‌گونه اضافه خواهد شد. به‌طور خلاصه، نرخ خالص از دست رفتن رویشگاه مطلوب لاله واژگون تا سال ۲۰۵۰ بین ۴۸/۲۴ درصد (MRI-CGCM3, RCP2.6) تا ۶۷/۶۱ درصد (MRI-CGCM3, RCP8.5) برآورد شد. بر اساس یافته‌ها، سناریو RCP8.5 نسبت به سه سناریوی دیگر اثرات شدیدتری بر گستره رویشگاه‌های مطلوب

لاله واژگون در کشور خواهد داشت. شکل سه تغییرات در گستره جغرافیایی رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون را در آینده (سال ۲۰۵۰) برای مدل گردش عمومی CCSM4 نشان می‌دهد.

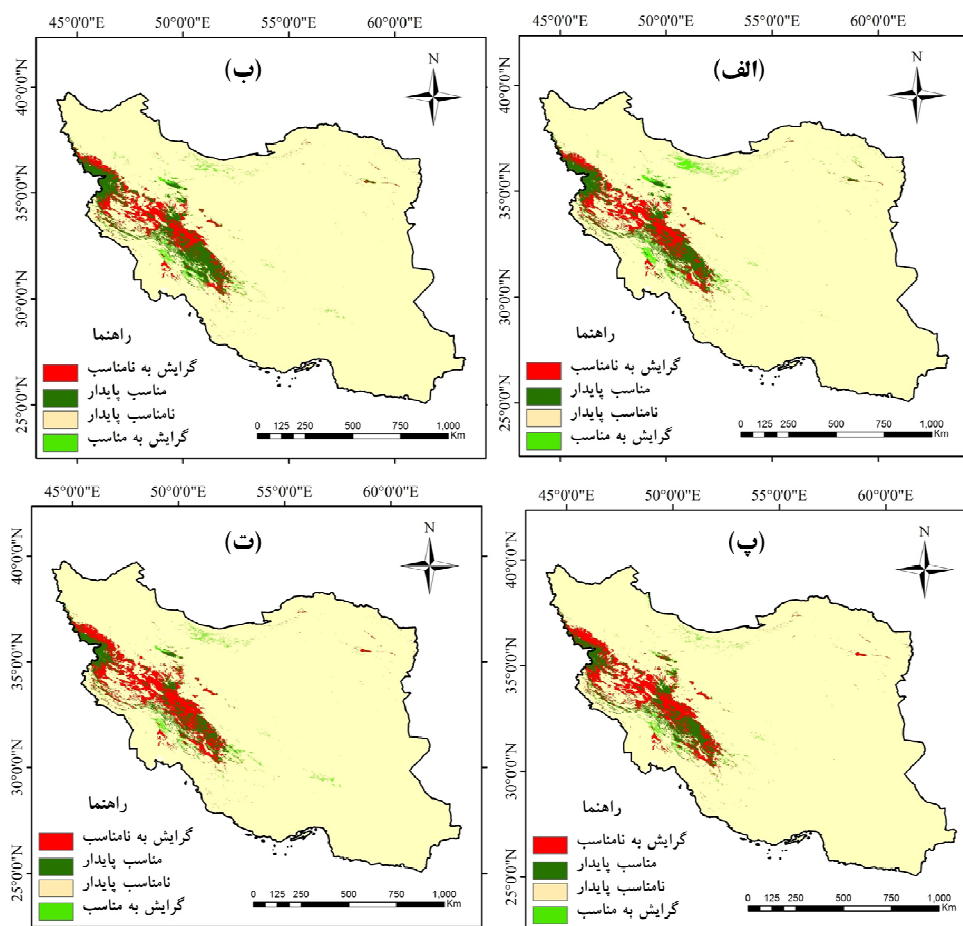
جدول ۲- متغیرهای مورد استفاده در مدل‌سازی رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون در کشور و اهمیت نسبی آن‌ها به روش مدل‌سازی اجماعی

اهمیت نسبی	عنوان به انگلیسی	متغیرهای محیطی
۲۴/۰۴	Bio6- Min Temperature of Coldest Month	حداقل دمای سردترین ماه سال
۱۶/۶۰	DEM- Digital Elevation Model	مدل رقومی ارتفاع
۱۳/۶۵	Bio12- Annual Precipitation	مجموع بارندگی سالانه
۱۲/۲۸	Bio15- Precipitation Seasonality (Coefficient of Variation)	تغییرات فصلی بارندگی
۷/۷۳	Bio9- Mean Temperature of the Driest Quarter	میانگین دمای خشک‌ترین فصل سال
۷/۴۹	Bio4- Temperature Seasonality (standard deviation *100)	تغییرات فصلی دما
۵/۰۵	Slope	شیب
۴/۵۴	Bio3-Isothermality (BIO2/BIO7) (* 100)	شاخص هم‌دمایی
۴/۱۶	Bio17- Precipitation of the Driest Quarter	مجموع بارندگی کم‌بارش‌ترین فصل سال
۳/۳۸	Bio2-Mean Diurnal Range (Mean of monthly (max temp - min temp))	میانگین دامنه دمای روزانه
۰/۸۴	Land cover/Land use	پوشش / کاربری سرزمین
۰/۲۳	Aspect	جهت جغرافیایی

جدول ۳- تغییر در وسعت رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون به دلیل تغییر اقلیم تا سال ۲۰۵۰ بر اساس مدل‌های گردش عمومی CCSM4, BCC-CSM1-1, MRI-CGCM3 و سناریوهای مختلف

تغییرات در رویشگاه (درصد)			رویشگاه جدید (درصد)			رویشگاه نامناسب شده (درصد)			مدل گردش عمومی
CCSM4	BCC-CSM1-1	MRI-CGCM3	CCSM4	BCC-CSM1-1	MRI-CGCM3	CCSM4	BCC-CSM1-1	MRI-CGCM3	
-۳۳/۰۹	-۳۷/۴۴	-۴۸/۲۴	۱۶/۸۴	۱۵/۸۰	۱۲/۴۷	۴۹/۹۳	۵۳/۲۴	۶۰/۷۱	RCP2.6
-۳۲/۶۳	-۴۷/۹۰	-۴۸/۵۴	۱۳/۴۷	۹/۴۶	۱۶/۰۸	۴۶/۱۰	۵۷/۳۵	۶۴/۶۲	RCP4.5
-۵۰/۰۶	-۴۴/۹۹	-۴۲/۴۸	۹	۱۰/۳۱	۱۶/۱۳	۵۹/۰۶	۵۵/۳۰	۵۸/۶۱	RCP6
-۵۳/۵۷	-۵۰/۶۲	-۶۷/۶۱	۱۰/۱۷	۱۰/۸۸	۹/۷۶	۶۳/۷۴	۶۱/۵۱	۷۷/۳۷	RCP8.5

کل سناریوهای تغییر اقلیمی، جابه‌جایی رویشگاه‌های مناسب لاله واژگون را به سمت ارتفاعات در حدود ۹۳/۸۷ متر تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی نمودند. میانگین ارتفاع رویشگاه‌های مطلوب گونه ۲۰۸۹



شکل ۳- تغییر در رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون از شرایط فعلی تا شرایط اقلیمی آینده در سال ۲۰۵۰ بر اساس سناریوهای مختلف (الف) RCP2.6 (ب) RCP4.5 (پ) RCP6 (ت) RCP8.5 در مدل گردش عمومی CCSM4 متر بود که تا سال ۲۰۵۰، پیش‌بینی می‌شود که ارتفاع رویشگاه‌های مطلوب گونه به ۲۱۸۳/۸۷ متر جابجا شود.

بحث و نتیجه‌گیری

اثرات تغییر اقلیم به‌صورت جابه‌جایی و کاهش گستره جغرافیایی گونه‌ها، برآورد شده است (Attorre et al., 2011; Hod et al., 2014; Al-Qaddi et al., 2016; Kurpis et al., 2016; نقی پور و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج نشان داد که تغییر اقلیم پیامدهای قابل‌توجهی بر رویشگاه‌های بالقوه لاله

واژگون در کشور وارد خواهد نمود؛ به طوری که بر اساس سناریوهای مختلف، بین ۴۶/۱۰ درصد تا ۷۷/۳۷ درصد از رویشگاه‌های بالقوه لاله واژگون به واسطه تغییر اقلیم نامناسب خواهد شد.

بر اساس یافته‌ها، کمتر از ۷/۶۹ درصد (۱۲۴۸۱۷/۱ کیلومتر مربع) از مساحت کشور به عنوان رویشگاه‌های مطلوب لاله واژگون برآورد شد. این گستره به عنوان آشیان بوم‌شناختی بالقوه گونه محسوب می‌شود که از آشیان بوم‌شناختی واقعی گونه بزرگ‌تر است. در این مطالعه موافق با پژوهش‌های دیگر، مدل‌سازی‌ها مناطق با شرایط زیر را به عنوان رویشگاه بالقوه پیش‌بینی می‌کنند: (۱) مناطقی که برای گونه هدف مطلوب هستند و گونه نیز در آنجا حضور دارد؛ (۲) مناطقی که برای گونه هدف مطلوب هستند، اما در اثر عوامل مختلف گونه یادشده در آن مناطق منقرض و نابود شده است؛ (۳) مناطق مطلوبی که گونه هدف به هیچ عنوان توانایی پراکنش و حضور در این مناطق را نداشته است (Peterson et al., 2013). به نظر می‌رسد استان‌های غربی کشور در محدوده زاگرس (به‌ویژه استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و غرب استان اصفهان) در مقایسه با سایر مناطق کشور از اهمیت رویشگاهی بیشتری برای لاله واژگون برخوردار هستند.

تمام سناریوهای تغییر اقلیمی، جابه‌جایی رویشگاه‌های مناسب لاله واژگون را به سمت مناطق مرتفع‌تر در حدود ۹۳/۸۷ متر تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی نمودند. علت این جابه‌جایی به آشیان بوم‌شناختی اقلیمی (بارندگی و دما) این گونه مربوط است که باعث می‌شود مناطق کم‌ارتفاع‌تر برای این گونه نامناسب شود. این جابه‌جایی رویشگاه تحت تأثیر تغییر اقلیم به مناطق مرتفع‌تر برای دیگر گونه‌های گیاهی ساکن نواحی کوهستانی در مناطق مختلف جهان از جمله در ایران (حیدریان و همکاران، ۱۳۹۶؛ امیری و همکاران، ۱۳۹۸؛ Sangoony et al., 2016؛ Fatemi et al., 2018؛ ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۹۶)، کوه‌های مدیترانه‌ای (Fois et al., 2016)، در پاکستان (Khanum et al., 2013) و در شمال آفریقا (Al-Qaddi et al., 2016) گزارش شده است. پاسخ‌های گیاهان در مقابل تغییرات اقلیمی آینده عمدتاً به ویژگی‌های فیزیولوژیکی و فنولوژیکی آن‌ها وابسته است (Zhao et al., 2017). به نظر می‌رسد گیاهان با آشیان بوم‌شناختی تخصصی‌تر نسبت به گیاهان با آشیان بوم‌شناختی وسیع‌تر، توانایی سازگاری کمتری در برابر تغییر اقلیم دارند (Khanum et al., 2013).

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان داد که وسعت رویشگاه لاله واژگون در آینده در مقایسه با حال حاضر کاهش خواهد یافت. در مورد لاله واژگون، آشیان بوم‌شناختی تخصصی و توانایی پراکنش کم، سازش این گونه در مقابل تغییر اقلیم را کاهش خواهد داد، به‌ویژه زمانی که تکه‌تکه شدن رویشگاه موانع پراکنش را افزایش می‌دهند. محققان، کاهش قابل‌ملاحظه‌ای در رویشگاه مناسب برای بسیاری از گونه‌های با آشیان بوم‌شناختی تخصصی گزارش نموده‌اند (Sanjerehei and Remya et al., 2015).

(Zhao et al., 2017؛ Rundel, 2017). در چنین مواردی رویکردهای حفاظتی مؤثر باید برنامه‌ریزی شوند.

بر اساس تحلیل‌ها، متغیرهای حداقل دمای سردترین ماه سال، مدل رقومی ارتفاع و مجموع بارندگی سالانه، بیشترین سهم نسبی را در اجرای مدل‌سازی داشتند. مطابق با نتایج پژوهش حاضر، اهمیت عوامل اقلیمی و ارتفاع در پراکنش گونه‌های مرکزی ایران (امیری و همکاران، ۱۳۹۸ الف، ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۹۶) و کوهستان‌های مرکزی و شرقی البرز (Fatemi et al., 2018)، تأیید شده است. در پژوهش حاضر، حداقل دمای سردترین ماه سال به‌عنوان مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی کننده رویشگاه لاله واژگون شناسایی شد. نقی‌پور و همکاران (Naghipour et al., 2019) نیز در بررسی اثر تغییر اقلیم بر پراکنش گونه لاله واژگون در زاگرس مرکزی نتیجه گرفتند که دما اثر بیشتری بر پراکنش این گونه دارا است. همچنین، رانا و همکاران (Rana et al., 2017) و ژائو و همکاران (Zhao et al., 2017) نیز در مورد گونه *F. cirrhosa*، از بین متغیرهای موردبررسی، دما را مهم‌ترین عامل معرفی نمودند. نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد جوانه‌زنی بذر لاله واژگون نشان داده است که بذر این گونه دارای خواب بوده و برای جوانه‌زنی نیازمند اعمال تیمار سرمادهی مرطوب است (آقابانزاد و همکاران، ۱۳۹۶). این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بالای حداقل دمای سردترین ماه سال در مراحل زندگی این گیاه است.

در بین همه مدل‌ها بر اساس شاخص‌های AUC و TSS، مدل‌های جنگل تصادفی و تعمیمی تقویت‌شده بهترین پیش‌بینی را داشتند و قابل‌اعتمادترین مدل‌ها برای پیش‌بینی پراکنش گونه تعیین شدند. پژوهش‌های گذشته نیز بر قابلیت بالای مدل جنگل تصادفی در مقایسه با مدل‌های دیگر در مدل‌سازی پراکنش گونه‌ای تأکید نموده‌اند (ازجمله: Benito Garzón et al., 2008؛ Cheng et al., 2012؛ Sangoony et al., 2016؛ Lin and Chiu, 2018؛ حیدریان و همکاران، ۱۳۹۶ الف). نتایج نشان می‌دهد کمتر از ۱۰ درصد از مناطق مطلوب لاله واژگون توسط شبکه حفاظتی کشور پوشش داده شده است. این شبکه حفاظتی با توجه به شرایط زیستی ویژه اهمیت بالایی در حفظ این گونه دارد. شبکه حفاظتی یادشده با توجه به تدابیر حفاظتی به نسبت بهتر در مقایسه با مناطق آزاد، دارای تنوع زیستی بهتری هستند (Bashari and Hemami, 2013). بنابراین، به‌کارگیری رویکردهای مناسب مدیریتی به‌منظور تکمیل شبکه حفاظتی کشور ازجمله تأسیس مناطق حفاظت‌شده جدید و همچنین افزایش سطح حفاظتی مناطق حفاظت‌شده موجود می‌تواند کارآمدی مناطق حفاظت‌شده را در نگهداری از جمعیت‌های لاله‌های واژگون و سایر گونه‌های درخطر افزایش دهد.

به‌طورکلی، حدود ۷/۶۹ درصد از محدوده مورد مطالعه به‌عنوان رویشگاه‌های بالقوه لاله واژگون برآورد شد. مؤثرترین متغیرها در پراکنش گونه مورد مطالعه، به ترتیب حداقل دمای سردترین ماه،

ارتفاع و بارندگی سالانه بودند. احتمال جابه‌جایی گستره جغرافیایی گونه مورد مطالعه تحت تأثیر سناریوهای مختلف تغییر اقلیم تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی شد. نتایج حاصل از سناریوهای مختلف تغییر اقلیم، به ترتیب کمترین و بیشترین سطح رویشگاه نامناسب شده در حدود ۴۶/۱۰ درصد (RCP4.5) تا ۷۷/۳۷ درصد (RCP8.5) در سال ۲۰۵۰ خواهد بود بر اساس یافته‌ها، به نظر می‌رسد که در محدوده مورد مطالعه، وسعت رویشگاه مطلوب لاله واژگون کاهش یافته و به سمت مناطق مرتفع‌تر جابه‌جا خواهد شد. اگرچه در اثر عواملی مانند برداشت گل و پیاز توسط گردشگران، چرای غیراصولی دام و عواملی از این قبیل، تراکم و گستره پراکنش لاله واژگون در برخی مناطق کاهش یافته است، اما این مطالعه اهمیت پیامدهای تغییر اقلیم بر پراکنش این گونه گیاهی ارزشمند را برجسته ساخت. این موضوع ضرورت توجه جدی‌تر مدیران و کارشناسان حفاظت را به لاله واژگون که یک گونه گیاهی با ارزش‌های بوم‌شناختی بالا (از جمله ارزش دارویی و در معرض خطر انقراض بودن) را دوچندان می‌نماید. نقشه‌های رویشگاه مطلوب امروزی و آینده لاله واژگون که در این پژوهش تهیه شده‌اند، در تدوین و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های حفاظتی و مدیریتی کارآمد خواهند بود. به عنوان نمونه، رویشگاه‌های مناسب شناسایی شده می‌توانند در اتخاذ رویکردهایی نظیر معرفی مجدد و همچنین شناسایی مناطق حفاظت‌شده جدید به منظور حفاظت از گونه لاله واژگون در پاسخ به پدیده تغییر اقلیم مورد توجه قرار گیرند.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از نتایج طرح تحقیقاتی به شماره قرارداد ۱۴۱/۱۹۲۳ از محل اعتبارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهرکرد می‌باشد. بدین‌وسیله نگارندگان مراتب امتنان و تشکر خود را از مسئولین دانشگاه شهرکرد ابراز داشته و از مسئولین و کارشناسان ادارات کل منابع طبیعی و محیط‌زیست استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان و کرمانشاه به دلیل همکاری در بازدیدهای صحرائی صمیمانه تشکر می‌نمایند.

منابع

- ابوالعالی، س.م.ر.، ترکش اصفهانی، م.، بشری، ح. ۱۳۹۶. ارزیابی اثرات تغییر اقلیم بر پراکنش گونه در معرض خطر انقراض کرفس کوهی با استفاده از مدل افزایشی تعمیم‌یافته. نشریه محیط‌زیست طبیعی، ۷۰(۲): ۲۴۳-۲۵۴.
- آقابابانژاد، ز.، عباسی سورکی، ع.، طهماسبی، پ.، ۱۳۹۶. بررسی برهمکنش سرمادهی مرطوب و اسید جیبرلیک بر شکست خواب و جوانه‌زنی بذر لاله واژگون *Fritillaria imperialis*. علوم و فناوری بذر ایران، ۶(۲): ۲۵۷-۲۶۶.

- امیری، م.، ترکش، م.، جعفری، ر. ۱۳۹۸ الف. پیش‌بینی پراکنش گونه *Artemisia sieberi* Besser تحت تأثیر تغییر اقلیم در مراتع استپی و نیمه-استپی ایران- تورانی. مدیریت بیابان، ۷(۱۳): ۲۹-۴۸.
- امیری، م.، ترکش، م.، جعفری، ر. ۱۳۹۸ ب. پیش‌بینی آشیان بوم شناختی اقلیمی گونه *Artemisia aucheri* Boiss. در ایران مرکزی با استفاده از مدل‌سازی پراکنش گونه‌ای. بوم‌شناسی کاربردی، ۸(۲): ۶۱-۷۹.
- پیری صحراگرد، ح. ۱۳۹۶. مدل‌سازی پیش‌بینی پراکنش رویشگاه گونه‌های گیاهی با روش رگرسیون لجستیک (مطالعه موردی: مراتع غرب تفتان، شهرستان خاش)، مجله پژوهش‌های گیاهی (مجله زیست‌شناسی ایران)، ۳۰(۴): ۷۹۲-۸۰۶.
- ترینیان، ف.ا.، آذرینوند، ح.، یزدانپرست، ر.، زارع چاهوکی، م.ع.، جعفری، م.، کومار، س. ۱۳۹۶. تعیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پراکنش گونه *Daphne mucronata* Royle و مدل‌سازی رویشگاه‌های پتانسیل آن. مرتع، ۱۱(۲): ۱۷۹-۱۹۳
- جعفری، م. ۱۳۹۳. تغییرات و آسیب‌پذیری تولید خالص اولیه در اکوسیستم‌های جنگلی، مرتعی و بیابانی ایران متأثر از تغییرات اقلیمی. تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۱: ۱۳۹-۱۵۳.
- حیدریان آقاخانی، م.، تمرتاش، ر.، جعفریان، ز.، ترکش اصفهانی، م.، طاطیان، م.ر. ۱۳۹۶ الف. پیش‌بینی اثرات تغییر اقلیم بر پراکنش بالقوه گونه بادامک (*Amygdalus scoparia*) با استفاده از مدل‌سازی اجماعی در زاگرس مرکزی، سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی در منابع طبیعی، ۸(۳): ۱-۱۴.
- حیدریان آقاخانی، م.، تمرتاش، ر.، جعفریان، ز.، ترکش اصفهانی، م.، طاطیان، م.ر. ۱۳۹۶ ب. پیش‌بینی اثر تغییر اقلیم بر گونه بلوط ایرانی (*Quercus brantii*) با استفاده از مدل‌سازی پراکنش گونه‌ای به‌منظور برنامه‌ریزی حفاظتی، محیط‌شناسی، ۴۳(۳): ۴۹۷-۵۱۱.
- زارع چاهوکی، م.ع.، عباسی، م. ۱۳۹۵. تعیین رویشگاه بالقوه گونه گیاهی ارمنک یا *Ephedra strobilacea* L. با استفاده از مدل آن‌تروپی حداکثر در مراتع پشتکوه استان یزد. حفاظت زیست بوم گیاهان، ۴(۹): ۱۹۵-۲۱۲.
- شریفی تهرانی، م.، ادوای، م.، شبانی، ل. ۱۳۹۴. جنس *Fritillaria* از تیره Liliaceae در ایران: پراکنش و نامگذاری گونه‌ها. تاکسونومی و بیوسیستماتیک، ۷(۲۲): ۴۹-۷۰.
- صلاحی صدر، س.، زکی زاده، ه.، نقوی، م.ر.، العلی الفتی، ج. ۱۳۹۷. باززایی گیاه در معرض انقراض لاله واژگون (*Fritillaria raddeana*) از طریق ریزنمونه‌های گلبرگ و برگ. دو فصلنامه تحقیقات ژنتیک و اصلاح گیاهان مرتعی و جنگلی ایران، ۲۶(۱): ۷۱-۸۳.
- نقی پور برج، ع.ا.، حیدریان آقاخانی، م.، سنگونی، ح. ۱۳۹۷. پیش‌بینی اثر تغییر اقلیم بر توزیع جغرافیایی بنه (*Pistacia atlantica*) در منطقه زاگرس مرکزی. حفاظت زیست بوم گیاهان، ۶(۱۳): ۱۹۷-۲۱۴.
- Ahmadi-Roshan, M., Karimzadeh, G., Babaei, A., Jafari, H. 2016. Karyological studies of *Fritillaria* (Liliaceae) species from Iran. Cytologia, 81(2): 133-141.
- Al-Qaddi, N., Vessella, F., Stephan, J., Al-Eisawi D., Schirone, B. 2016. Current and future suitability areas of kermes oak (*Quercus coccifera* L.) in the Levant under climate change. Regional Environmental Change, 17: 143-156.

- Allouche, O., Tsoar, A., Kadmon, R. 2006. Assessing the accuracy of species distribution models: prevalence, kappa and the true skill statistic (TSS). *Journal of applied ecology*, 43(6): 1223-1232.
- Ashrafzadeh, M.R., Naghipour, A.A., Haidarian, M., Kusza, S., Pilliod, D.S. 2019. Effects of climate change on habitat and connectivity for populations of a vulnerable, endemic salamander in Iran. *Global Ecology and Conservation*, 19: p.e00637.
- Attorre, F., Alfò, M., De Sanctis, M., Francesconi, F., Valenti, R. Vitale M. and et al. 2011. Evaluating the effects of climate change on tree species abundance and distribution in the Italian peninsula. *Applied Vegetation Science*, 14: 242-255.
- Badfar-Chaleshtori, S., Shiran, B., Kohgard, M., Mommeni, H., Hafizi, A., Khodambashi, M., Mirakhorli, N., Sorkheh, K. 2012. Assessment of genetic diversity and structure of Imperial Crown (*Fritillaria imperialis* L.) populations in the Zagros region of Iran using AFLP, ISSR and RAPD markers and implications for its conservation. *Biochemical systematics and ecology*, 42: 35-48.
- Bashari, H., Hemami, M.R. 2013. A predictive diagnostic model for wild sheep (*Ovis orientalis*) habitat suitability in Iran. *Journal for Nature Conservation*, 21(5): 319-325.
- Benito Garzón, M., Sánchez de Dios, R., Sainz Ollero, H. 2008. Effects of climate change on the distribution of Iberian tree species. *Applied Vegetation Science*, 11: 169-178.
- Cheng, L., Lek, S., Lek-Ang, S., Li, Z. 2012. Predicting fish assemblages and diversity in shallow lakes in the Yangtze River basin. *Limnologia*, 42 (2): 127-136.
- Day, P.D. 2018. Studies in the genus *Fritillaria* L. (Liliaceae) (Doctoral dissertation, Queen Mary University of London), 171p.
- Doswald, N., Willis, S.G., Collingham, Y.C., Pain, D.J., Green, R.E., Huntley, B. 2009. Potential impacts of climatic change on the breeding and nonbreeding ranges and migration distance of European Sylvia warblers. *Journal of Biogeography*, 36: 1194-1208.
- Eskildsen, A., Roux, P.C., Heikkinen, R.K., Høye, T.T., Kissling, W.D., Pöyry, J., Wisz, M.S., Luoto, M. 2013. Testing species distribution models across space and time: high latitude butterflies and recent warming. *Global Ecology and Biogeography*, 22(12):1293-1303.
- Farashi, A., Shariati, M., Hosseini, M. 2013. Identifying biodiversity hotspots for threatened mammal species in Iran. *Mammalian Biology*, 87: 71-88.
- Fatemi, S.S., Rahimi, M., Tarkesh, M., Ravanbakhsh, H., 2018. Predicting the impacts of climate change on the distribution of *Juniperus excelsa* M. Bieb. In the central and eastern Alborz Mountains, Iran. *iForest-Biogeosciences and Forestry*, 11(5): 643.

- Fois, M., Cuenca-Lombraña, A., Fenu, G., Cogoni, D., Bacchetta, G. 2016. The reliability of conservation status assessments at regional level: past, present and future perspectives on *Gentiana lutea* L. ssp. *lutea* in Sardinia. *Journal for Nature Conservation*, 33: 1-9.
- Hardy, J.T. 2003. *Climate change: Causes, effects, and solutions*: John Wiley & Sons.
- Hodd, R.L., Bourke, D., Skeffington, M.S. 2014. Projected range contractions of European protected oceanic montane plant communities: Focus on climate change impacts is essential for their future conservation. *PloS one*, 9(4): e95147.
- IPCC, 2018. Global warming of 1.5 °C, an IPCC special report on the impacts of global warming of 1.5°C above pre-industrial levels and related global greenhouse gas emission pathways, in the context of strengthening the global response to the threat of climate change, sustainable development, and efforts to eradicate poverty. World Meteorological Organization, Geneva, Switzerland.
- Khanum, R., Mumtaz, A.S., Kumar, S. 2013. Predicting impacts of climate change on medicinal asclepiads of Pakistan using Maxent modeling. *Acta Oecologica*, 49: 23-31.
- Khourang, M., Babaei, A., Sefidkon, F., Naghavi, M.R., Asgari, D., Potter, D. 2014. Phylogenetic relationship in *Fritillaria* spp. of Iran inferred from ribosomal ITS and chloroplast trnL-trnF sequence data. *Biochemical Systematics and Ecology*, 57: 451-457.
- Kiani, M., Sefidkon, F., Babaei, A., Naghavi, M.R. 2015. Phytochemical profiling of medicinal isosteroidal alkaloids of Iranian *Fritillaria* spp. (Liliaceae). *Industrial Crops and Products*, 70: 451-458.
- Kurpis, J., Serrato-Cruz, M.A., Arroyo, T.P.F. 2016. Modeling the effects of climate change on the distribution of *Tagetes lucida* Cav. (Asteraceae). *Global Ecology and Conservation*, 20: e00747.
- Lembrechts, J.J., Nijs, I., Lenoir, J., 2019. Incorporating microclimate into species distribution models. *Ecography*, 42(7): 1267-1279.
- Lin, C.T., Chiu, C.A. 2018. The Relic *Trochodendron aralioides* Siebold & Zucc. (Trochodendraceae) in Taiwan: Ensemble distribution modeling and climate change impacts. *Forests*, 10(1): 7.
- Manel, S., Williams, H.C., Ormerod, S.J. 2001. Evaluating presence-absence models in ecology: the need to account for prevalence. *Journal of applied Ecology*, 38(5): 921-931.
- Naghipour, A.A., Ostovar, Z., Asadi, E. 2019. The Influence of Climate Change on distribution of an Endangered Medicinal Plant (*Fritillaria Imperialis* L.) in Central Zagros. *Journal of Rangeland*

- Pearce, J., Lindenmayer, D. 1998. Bioclimatic analysis to enhance reintroduction biology of the endangered helmeted honeyeater (*Lichenostomus melanops cassidix*) in southeastern Australia. *Restoration Ecology*, 6 (3): 238-43.
- Peterson, A.T., Soberón, J., Pearson, R.G., Anderson, R.P., Martínez-Meyer, E., Nakamura, M., Araújo, M.B. 2013. Ecological niches and geographic distributions, First edn., USA: Princeton University Press.
- Rana S.K., Rana H.K., Ghimire S.K., Shrestha K.K., Ranjitkar, S. 2017. Predicting the impact of climate change on the distribution of two threatened Himalayan medicinal plants of liliaceae in Nepal. *Journal of Mountain Science*, 14: 558-570.
- Remya, K., Ramachandran, A., Jayakumar, S. 2015. Predicting the current and future suitable habitat distribution of *Myristica dactyloides* Gaertn. Using MaxEnt model in the Eastern Ghats, India. *Ecological engineering*, 82: 184-188.
- Sangoony, H., Vahabi, M.R., Tarkesh M., Soltani, S. 2016. Range shift of *Bromus tomentellus* Boiss. as a reaction to climate change in Central Zagros, Iran. *Applied Ecology and Environmental Research*, 14(4): 85-100.
- Sanjerehei, M.M., Rundel, P.W. 2017. The impact of climate change on habitat suitability for *Artemisia sieberi* and *Artemisia aucheri* (Asteraceae)—a modeling approach. *Polish Journal of Ecology*, 65: 97-109.
- Sharifi-Tehrani, M., Advay, M. 2015. Assessment of relationships between Iranian *Fritillaria* (Liliaceae) species using chloroplast trnH-psbA sequences and morphological characters. *Journal of Genetic Resources*, 1(2): 89-100.
- Thuiller, W., Georges, D., Engler, R., Breiner, F., Georges, M.D., Thuiller, C.W. 2016. Package 'biomod2'. <https://cran.r-project.org/package=biomod2>.
- Warren, D.L., Matzke, N.J., Iglesias, T.L. 2019. Evaluating species distribution models with discrimination accuracy is uninformative for many applications. *BioRxiv*, p.684399.
- Wu, M.L., Zhang, Q., Song, J.Y., Li, X.W., Xie, C.R., Hu, Z.G. 2018. Ecological characteristics and suitability evaluation of *Fritillaria cirrhosa* D. Don based on Maxent model. *African Journal of Traditional, Complementary and Alternative Medicines*, 15(1): 158-167.
- Zhao, Q., Li, R., Gao, Y., Yao, Q., Guo, X. and Wang, W. 2017. Modeling impacts of climate change on the geographic distribution of medicinal plant *Fritillaria cirrhosa* D. Don. *Plant Biosystems-An International Journal Dealing with all Aspects of Plant Biology*, 152(3): 349-355.